



## • مسعود عباسی جامد اخبار مربوط به سیگار

مثل دسته گل‌مان باشد وقتی آمارها را در مطبوعات می‌خوانیم، دلمان می‌خواهد هیچ‌کدام از آن‌ها درست نباشد؛ ولی خوب، گاهی وقت‌ها هم نمی‌توانیم به سازمان ارائه دهنده این ارقام شک کنیم. «به گزارش سازمان ملی جوانان، ۳۰ درصد جوانان ایرانی، بین سال‌های ۱۰ تا ۱۹ سالگی، سیگار کشیدن را تجربه کرده‌اند»

نه! اشتباه نکرده‌اید؛ ۱۰ تا ۱۹ سالگی! شاید شما هم به سختی می‌توانید یک کودک ده‌تا دوازده ساله را باید شاد و بانشاط و سلامت باشد، با یک دنیا شور و نشاط و هیاهو، نمی‌دانم دود سیاه و بدبوی سیگار با صورت کوچک و سپید و معصوم او چه سختیتی می‌تواند داشته باشد؟! «براساس نتایج این تحقیق، بیش‌تر افراد، نحوه آغاز مصرف سیگار خود را، تعارف دوستان و رفقا (۴۰ درصد)، اراده و خواست فردی (۱۹ درصد)، کنجکاو و هوس (۱۲ درصد) و به واسطه یکی از اعضای خانواده (۸ درصد) اعلام کرده‌اند»

آخر می‌شود کسی را که به آدم سیگار تعارف می‌کند، دوست و رفیق نامید؟ چطور می‌شود نوجوانی با اختیار و اراده خودش به طرف سیگار برود و سلامتی‌اش را به بهای دود سیگار بفروشد؟ این همه چیز در دنیا برای کنجکاو هست؛ شما باور می‌کنید نوجوانی، زیباترین خصلت خدادادی‌اش را که باید در راه تحقیق و اختراع و اکتشاف به کار بگیرد، در راه سردرآوردن از چگونگی دودکردن سیگار و به سرفه افتادن و خس خس کردن سینه و سیاه شدن دندان‌ها و از ریخت افتادن خودش خرج کند؟ جالب این‌که، سیگار، استارت کار اعتیاد و دچار شدن به دام‌های بعدی آن است که پیامدهای زیان‌باری بر روی فرد، خانواده و جامعه دارد.

در آخر این‌که مگر می‌شود عضو یک خانواده بود و هم‌نفس و زیر یک سقف زندگی کرد؛ اما به جای عشق و دوستی، به هم سیگار تعارف کرد؟ زنگ‌های خطر خیلی وقت است که به طور پراکنده در جای جای صفحات روزنامه‌های گوناگون و نشریات مجلات، کاریکاتورهای اعتیاد و حتی در صداوسیما به صدا در آمده؛ اما چرا کسی صدای این زنگ‌ها را نمی‌شنود؟ جای تأمل دارد. شاید اگر روزی همه این زنگ‌ها یک‌صدا و هم‌آواز شوند، آن وقت صدای گوش‌خراش را همه آن‌هایی که باید بشنوند، می‌شنوند! فقط خدا کند آن روز، زیاد دیر نشده باشد!

## • شطرنج

• معصومه اسماعیلی

یک مهره می‌آیم بالا، یک مهره هم تو بیا، تو همیشه وزیرت را می‌فرستی جلو من هم رخم را می‌اندازم کنار شاه تو و مات! می‌گویی به امتحانش می‌ارزد. آدم باید سرش به سنگ بخورد تا بعد بفهمد این راه غلط بوده. برای آن‌که بفهمی یک درخت چه‌قدر بلند است، حتماً باید از آن بروی بالا؟ هی‌پسر! برای یاد گرفتن شطرنج لازم نیست حتماً مات شوی تا بعد یادگیری. آدم عاقل همه چیز را امتحان نمی‌کند خوب؟

آن قرص‌هایی که از قرص سرماخوردگی هم راحت‌تر گیر می‌آید و سوسه‌ات می‌کند اگر یکی از این‌ها را بیندازی بالا، می‌شود یک دنیای دیگر را هم تجربه کرد. انگار خود باخ دارد موسیقی جاودانش را در گوشت فرباد می‌زند! می‌گویی: سرت به دوران می‌افتد برای هیچ، و بعد دو ساعت دیگر که خماری‌اش پربد، آن قدر پوچی و بی‌هدفی مغزت را پر می‌کند که دیگر نمی‌توانی دنیای خودت را تحمل کنی؛ حاضری برای همیشه مات شوی.

## ایا سرگذشت شوم مرا می‌دانید؟

• محمدرضا حاتمی

### کی بشر با ماده افیونی آشنا شد؟

گفته می‌شود که آدمی از ۷ هزار سال پیش، از وجود یک ماده مخدر قوی در خشخاش آگاه بوده است. در ایران باستان نیز در کتاب اوستا، از گیاه کانائیز (شاهدانه) به عنوان یک ماده بی‌حس کننده نام برده شده است، اما با وجود آشنایی با کانائیز، ایرانیان قدیم، به مواد مخدر معتاد نبوده‌اند.

### پس کی هموطنان ما به باتلاق اعتیاد گام نهادند؟

در قرن هفده میلادی، کشتی‌های تجاری انگلیس، تریاک را از خاور دور به ایران آورده و به درباریان هدیه و بیش‌تر آنان را معتاد ساختند. به تدریج، به علت ازدیاد معتادان و کمبود تریاک، کشت خشخاش در ایران آغاز شد و به حدی توسعه یافت که در مقدار غلات، کمبود ایجاد شد. روستاییان و کشاورزان، بی‌خبر از عواقب وخیم این آفت، به تریاک معتاد شدند و به عنوان داروی مسکن، حتی به اطفال نوزاد نیز تریاک تجویز می‌کردند.

• چه وقت هموطنان ما خطر را احساس کردند؟

اگر چه در زمان سلطنت قاجار، کشیدن تریاک یکی از وسایل تجملی دربار بود و ایادی انگلیس نیز مردم را به کشیدن تریاک تشویق می‌کردند، اما در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، تصویب‌نامه‌ای منتشر شد: «نظر به این‌که از قرار معلوم در طبقات مستخدم کشوری و لشکری، عده زیادی معتاد به استعمال تریاک می‌باشند که وجود آن‌ها علاوه بر این‌که به درد خدمت دولت نمی‌خورد، تأثیرات سوء در احوال و اخلاق و روحیه سایرین خواهد کرد و نظر به این‌که تریاک، روح شهامت و عرق‌حمیت را زبون و فانی و این عادت پلید، آتیه مملکت را تهدید می‌کند، بالضروره مقرر می‌دارد که از این تاریخ، استعمال تریاک برای مستخدمین لشکری و کشوری از هر درجه‌ای که باشد، قویاً و اکیداً ممنوع و...»

### • اگر چنین مصوبه‌ای داشته‌ایم پس چرا...؟

اما کابینه‌ای که چنین مصوبه‌ای را صادر کرده بود دوامی نیاورد و با این‌که روز به روز به تعداد معتادان افزوده می‌شد، مبارزه با اعتیاد به بوته فراموشی سپرده شده و در ۲۰ شهریورماه ۱۳۲۰ درجنگ جهانی دوم، قوای بیگانگان (امریکا، روس و انگلیس) ایران را اشغال و سربازان انگلیسی، انواع مواد مخدر را به ایران آورده، جوانان را معتاد و بر مشکلاتی که ناشی از استعمال تریاک بود، افزودند.

## • ماهیگیر

### • معصومه اسماعیلی

همه تنم درد می‌کند احساس می‌کنم استخوان‌هایم می‌خواهند باز شوند انگار اندامم در هم چروک می‌خورد. ماهیچه‌هایم شکافته می‌شوند ... تو در آن اتاق کناری درد می‌کشی؛ خودت را به تخت بسته‌ای و من به‌جای تو درد می‌کشم. معتاد شده‌ایم؛ هرکدام یک‌جور. هر روز در خواب و خماری به سر می‌بری. دنیا نصف روز برایت تیره و تار است و بعد، یکی از آن زرورق‌های لعنتی دوباره تو را می‌فرستد آن بالا. مهم پایت در هوا. مثل یک ماهی‌گیر پیر شده‌ای که عمری در چشمه تور انداخته، اما نمی‌داند در چشمه ماهی نیست. تو با آن زرورق‌ها به هیچ جا نرسیده‌ای. من هم از تو بدتر. نمی‌دانم دنبال چه می‌گردیم. هر روز فقط خودم را دور می‌زنم؛ معتاد شده‌ام. عادت کرده‌ام به این بی‌هدفی



## بعد از این همه تکرار، باید تصمیم‌گیری

• معصومه اسماعیلی



حوض به این قشنگی، حیف نیست توی آن نمی‌بری؟ از تمام رنگ‌ها هم داخل آن ریخته‌اند؛ هرکس در هر رنگی که بخواهد یکی زرد، یکی سرخ، یکی آبی؛ تو هم...  
چشم‌هایت دیگر درست نمی‌بینند این رنگی که داخل آن پریده‌ای سیاه است، نه سفید تو و گنجشک‌کاشی‌مشی عادت کرده‌ای؛ هر روز می‌آیید لب حوض نقاشی می‌نشینید و بعد یک گلوله برف می‌خورید پشت سرتان و می‌افتید توی حوض نقاشی و فردا هم دوباره همان تجربه را تکرار می‌کنید. هر روز خودتان را رنگ می‌کنید و فکر می‌کنید این‌طوری بهتر است.  
کی می‌خواهی این نقاب تکرار را از روی صورت برداری، ریسک کنی، و تجربه، زندگی‌ات را عوض کنی؟ فکر می‌کنی اگر بال‌هایت آبی شوند به آسمان می‌رسی، در حالی‌که هنوز پایت روی زمین مانده است؟ باید تصمیم‌گیری و بعد چیزی از درون تو را به حرکت وامی‌دارد. گوش کن، صدای قلبت را می‌شنوی؟

تدریجی کشانده شدند و به‌طور سرسام‌آور، تعداد معتادان رو به فزونی گرفت.

جندای از این، برخی از اعضای خاندان پهلوی خود از گردانندگان اصلی چرخه توزیع مواد مخدر در کشور بودند و از این راه منافع بسیار به جیب می‌زدند.

**- پس از پیروزی انقلاب اسلامی از نظر قانون کشوری بر سر مواد مخدر چه آمد؟**

پس از سقوط رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری اسلامی، کشت خشخاش ممنوع شد و برای کشت، ورود یا صدور، تولید یا توزیع، حمل یا خرید و فروش، نگهداری و استعمال مواد مخدر، مجازات‌هایی در نظر گرفته شد. همچنین، برای پیش‌گیری از افزایش معتادان، در صورتی که شخصی با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری، باعث اعتیاد عضو خانواده خود یا دانش آموز ... شود، به مجازات‌هایی محکوم خواهد شد؛ اما با وجود این قوانین و تلاش دولت در جهت مبارزه با بلای خانمان‌سوز اعتیاد، مشکل همچنان باقی است.

گزارش مشاور سازمان ملل در ایران در سال ۱۳۳۴ شمسی مبنی بر این بود که روزانه دوتن تریاک در ایران، مصرف می‌شود و تعداد شیره‌کش‌خانه‌ها (محل استعمال تریاک) در تهران به حدود ۴۵۰۰ می‌رسد و مجموعاً در حدود ۱/۵ میلیون نفر معتاد وجود دارد (قابل توجه است که جمعیت کشور در حدود ۲۵ میلیون نفر بوده است).

**- آیا شاه مملکت به فکر سر و سامان دادن به وضع جوانان و مردم نبوده؟**

خاندان پهلوی برای هماهنگ کردن خط مشی دولت در زمینه تریاک، سازمانی تحت عنوان: سازمان معاملات تریاک در وزارت تعاون و امور روستاها تشکیل داد و پیش از آن، به بهانه جلوگیری از خروج ارز و طلا از کشور، قانون کشت تریاک را به تصویب رساند. کشاورزان به سرعت، شروع به کشت خشخاش در مناطق وسیع نمودند. قاچاقچیان نیز با تأسیس لابراتوارهای بی‌شمار، شروع به ساختن هروئین کردند و نوجوانان و جوانان بی‌گناه نیز به پرتگاه ذلت و مرگ